



دکتر سید موسی صمیمی

Political Economy

Promoting dialogue and discourse

Dr. Said Musa Samimy

Email: samimy@aol.com

۷م جنوری ۲۰۱۶

**استراتیژی تعرضی عربستان سعودی در بن بست
- اعدام شیخ نمر، برنامه تحریک آمیز سیاسی-**

۱. پیش گفتار/۱
۲. چرخش سیاسی-مذهبی ملک سلمان در سلسله مراتب حکم روایی/۱
۳. عربستان سعودی، مهد اصلی پخش و گسترش عقاید افراطی/۴
۴. دیگرگونی استراتژی ریاض از نفوذ خزنده به مداخله نظامی/۴
۵. توانایی نظامی ریاض، زیر ساخت استراتیژی تعرضی/۵
۶. بیگانگی نظام تمامیت گرای عربستان با "حقوق بشر"/۵
۷. "امت اسلامی" در گرو افراط گرایی سلفی-وهابی/۷
۸. اعدام شیخ نمر باقر النمر، برنامه تحریک آمیز سیاسی/۷
۹. تراز نامه یک ساله استراتیژی تعرضی ملک سلمان/۱۱
۱۰. روی کردها

۱. پیشگفتار

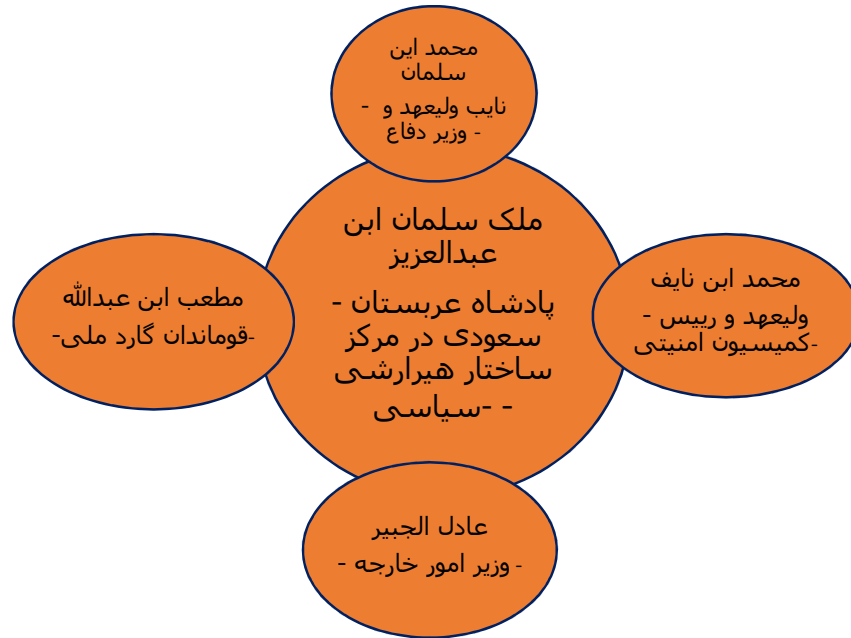
پس از مرگ عبدالله بن عبدالعزیز به عمر نود سالگی به تاریخ ۲۳م جنوری ۲۰۱۵، سلمان بن عبدالعزیز در ریاض، پایتخت عربستان سعودی بر کرسی قدرت تکیه زد. سلمان بن عبدالعزیز، متولد در سال ۱۹۳۵ عیسوی در ریاض، بیست و پنجمین فرزند عبدالعزیز ابن سعود، از همسرش حصه و هفتمین پادشاه آل سعود در عربستان سعودی است.

با حکم روایی ملک سلمان، در تاریخ تمامیت گرای آل سعودی در کنار تغییر در ترکیب ساختاری هیئرش "طیف قیادی" آل سعودی، هم در سیاست "قرائت دینی در امور دنیایی" و هم در سیاست خارجی ریاض دیگرگونی های بنیادی تدوین و به زودی پیاده گردیدند. برنامه تحریک کننده اعدام شیخ نمر باقر النمر، روحانی برجسته ی شیعه در دوم جنوری ۲۰۱۶ در عربستان، آخرین الگوی شقاوت و خو نریزی نظام تمامیت گرای وهابی به مثابه پی آمد استراتژی تعرضی ملک سلمان تلقی می گردد، برنامه ای که "پس لگد" آن استراتژی تعرضی ریاض را به بن بست کشاند. در این نوشتار نکات اساسی و اهداف کلی "چرخش سیاسی-مذهبی" ریاض با در نظر داشت پی آمدهای های سیاسی اعدام النمر در مسیر یک سال اخیر به شکل فشرده بررسی میگردند. (۱)

۲. چرخش سیاسی-مذهبی ملک سلمان در سلسله مراتب حکم روایی

ملک سلمان نخست از همه، با وجود تداوم "نظام پادشاهی تمامیت گرا"، در بخش ساختار هیئرش سلسله مراتب یا طیف رهبری دست به "سنت شکنی" زده و تلاش کرد تا هرچه بیشتر انحصار قدرت سیاسی را از یکسو به نفع سیاست محافظه کاری بیشتر تغییر شکل داده و از سوی دیگر، بر خلاف "وصیت نامه" عبدالعزیز ابن سعود، بانی نظام تمامیت گرای ریاض، زمینه را برای حکم روایی محمد ابن سلمان، پسر جوان ۳۳ ساله اش آماده سازد. در این راستا ملک سلمان به تشکیل یک حلقه ی تنگ از دست نشانندگان و پیروان خط تصلبی- تعرضی دست زد. در هسته این حلقه ی انحصار گرا شخص سلمان قرار داشته و در نخستین حلقه ی پیرامونی این هسته چهار تن از "برگزیدگان ناز پرور" کرسی های تعیین کننده در سیاست آن کشور را اشغال کرده اند. در این حلقه، به ویژه محمد ابن سلمان با احراز پست "نایب ولیعهد و وزارت دفاع" بر نفوذ ترین مهره ی خاندانی تلقی می گردد.

تشکیل این "حلقه ی خاصه" که فراورده بینش انحصاری ملک سلمان می باشد، با مقاومت سخت شاهزاده های دیگر مواجه گردیده، حریر پوشانی که از احراز این کرسی های پر نفوذ حالا محروم شده اند، خود را در جدال های سیاسی درون حرم برای کسب امتیازات هر چه بیشتر نیز شکست خورده می پندارند. این نخستین باری است که در "خانواده بزرگ آل سعودی" تضاد های "درون حرم سلطان" و خصومت های "برادر زادگی"، که قبلاً نطفه گرفته بودند، اینک جوانه می زنند.



ملک سلمان به مثابه بازیگر پیش تاز بخش نظامی-سیاسی نظام تمامیت گرای وهابی، در همسویی با بخش بازیگران مهم مذهبی-وهابی، در گام دوم به دیگر گونی های احراز کرسی های کلیدی دیگر پرداخت، که آن هم به نفع "محافظه کاری و عقب گرایی بیشتر" می باشد، از جمله او وزارت امور دینی را به آل شیخ، یکی از جزم گرایان مشهور و از اخلاف ابن عبدالوهاب که به قرائت تصلبی حقوق جزا شهرت دارد، واگذاشت. همچنان، از همه مهمتر اینکه ملک سلمان در این تغییرات، خانم نورا الفایض، یگانه خانم فعال و تحصیل کرده در امریکا را، که سمت معاونت وزارت زن ها را بدوش داشت، از وظیفه اش سبک دوش ساخت.

(۲)

در عربستان سعودی هفت هزار شاهزاده از دودمان پادشاهی آل سعودی، بدون توجه به شایستگی شان و یا توجیه دموکراتیک، حکم روایی کرده و درآمدهای سرشار از فروش نفت را بدون حساب دهی به مثابه "مالکیت شخصی" در اختیار دارند.

ساخت هیئرشلی جدید بیانگر این نکته است که ملک سلمان در درازای یک سال حکم روایی اش، با انحصار گرایی بیشتر در گستره اداری و با جزم گرایی بیشتر در مورد نقض حقوق بشر به ویژه حقوق زنها عمل کرده و دایره "آزادی های مدنی" را هنوز هم تنگ تر ساخته است.

۳. عربستان سعودی، مهد اصلی پخش و گسترش عقاید افراطی

از عقاید اسامه بن لادن و ایمن الظواهری، رهبران جفا پیشه ی سازمان هراس افکن القاعد تا نظرات ابوبکر البغدادی، خلیفه ی خون آشام گروه موسوم به " دولت اسلامی"، همه جریان های افراطی و جزم گرای معاصر از "جوبیار" عقیدتی سلفی-وهابی آب می خورند. نظرات تصلبی ابوبکر البغدادی از دریچه قرائت دینی و پیاده کردن شیوه " احکام آسمانی شریعت" در کره خاکی با افکار جزم گرای ملک سلمان هر گز تفاوتی ندارند. ولی البغدادی مشروعیت حکم روایی ملک سلمان را تحت پرسش می برد، و خود را به "مثابه فقیه و از تبار پیامبر اسلام" معرفی می کند. (۳) از آن جایی که ملک سلمان نظر به شرایط حکم روایی سلفی نه، بلکه بر اساس اصل "پادشاهی ارثی" قدرت را تصرف کرده است، البغدادی که زمانی خود "جیره خوار مالی و نشخوار کننده عقیدتی ریاض" بود، امروز در مقابل "ولی نعمت گذشته" قیام کرده است. به نظر البغدادی، ملک سلمان نه از تبار پیامبر اسلام است و نه فقیه، و همچنان توسط "شورای حل و عقد" تعیین نگردیده است. پس او واجد شرایط حکم روایی بر سرزمین اسلام نمی باشد. ولی در عمل ملک سلمان و خلیفه البغدادی هر دو ادعای رهبری "جهان اسلام" را به سر پرورانده، هر یک نظر به توانایی های سیاسی-اقتصادی خود به "جهاد علیه کفار" یعنی علیه همه کسانی ادامه میدهند که "پیروان سلفی-وهابی" نباشند. از همین جهت هر دو بازیگر مذهبی در فرو پاشی سرزمین های مسلمان نشین نقش فعال داشته و دامان شان بخون تیره ی بی گناهان (مسلمانان و غیر مسلمان) آلوده می باشد. از آنجایی که امپراتوری تاریخی اسلام در زمان خلافت عباسی که بغداد پایتخت آن بود، فرو پاشیده است، ابوبکر البغدادی برای رستاخیز "**امپراتوری عرب بغداد محور**" دست به شمشیر زده، در مقابل ملک سلمان در راستای تشکیل "**امپراتوری عرب ریاض محور**" بکار برد هر گونه پرخاشگری و هراس افکنی را، استوار بر آیین سلفی-وهابی با اصل "مشروعیت دینی" جایز می داند.

۴. دیگرگونی استراتژی ریاض از نفوذ خرنده به مداخله نظامی

بازتاب این چرخش سیاسی در دیگرگونی استراتژی خارجی ریاض به نوبت خود دارای ابعاد خطرناک سیاسی-نظامی بوده که منجر به تنش های بیشتر در خاور میانه گردیده است، در نتیجه می تواند "مواضع سیاسی" ریاض را به چالش بکشد.

در سال گذشته، زمانی که ملک سلمان پس از یک عمر انتظار بر اریکه قدرت تکیه زد، پس از پخته کاری پایه های هرم جدید هیرارشی قدرت، در دیدگاه روابط خارجی آن کشور نیز بازنگری بنیادی کرد. سیاست سنتی روابط خارجی عربستان سعودی بیشتر و از همه مهمتر در پخش و اشاعه عقاید وهابیت افاده می گردید. البته که برای پیاده کرو دن این "**سیاست**

نفوذی خزنده ریاض از منابع سرشار در آمد های ارزی از درک فروش نفت استفاده می کرد. همین سیاست پخش و اشاعه عقاید تصلبی وهابیت زمینه ساز بروز نیروهای افراطی در همه کشور های جهان، به ویژه در سرزمین های مسلمان نشین گردید.

ولی ملک سلمان از **"گستره سیاست سنتی"** آل سعودی که زمینه ساز نفوذ عقیدتی وهابیت بود، یک گام بیشتر برداشته و **"سیاست پرخاشگری نظامی"** را، به ویژه در خاور میانه در دستور کار قرار داده و هدفمند به نمایش گذاشت. عربستان سعودی به تاریخ ۱۲۶م مارچ ۲۰۱۵ با تشکیل یک ائتلاف عربی به مواضع "انصار الله"، سازمان سیاسی "حوثی ها" در یمن تحت نام **"توفان قاطع"** - Operation Decisive Storm- به حملات گسترده هوایی دست زد. در این حملات ۱۸۰ هواپیمای جنگی از کشورهای مختلف عربی شرکت داشتند. (۴)

با در نظر داشت پیشینه های تاریخ معاصر روابط خارجی عربستان با کشور های منطقه، این مداخله نظامی ملک سلمان در یمن با پهنای بیشتر سیاسی و دگرگونی های فضای تنش زای حاکم در منطقه برگزار می گردد. در واقع با این عملکرد، سلمان استراتژی عربستان سعودی مبنی بر نفوذ خزنده آیین وهابیت را با **بعد نظامی، آن هم به گونه مداخله مستقیم به سطح بالاتر ارتقا داد.** البته این راهکار حریر پوش ریاض در یک منطقه متلاطم، نظر به ابعاد سیاسی، نظامی و مذهبی آن بسیار چالش زا بوده و پی آمد های ناگوار سیاسی آن نگران کننده می باشند.

علاوه بر سیاست های سرکوب گرانه "بهار عربی" در بحرین و پشتیبانی از "کودتای نظامی" در جمهوری عربی مصر، ریاض در کنار کشور های متحد غربی و هم چنان ترکیه در کارزار سیاسی-نظامی در عراق و سوریه نیز نقش خارق العاده ی بازی می کند. محمد این سلمان، وزیر دفاع عربستان بی پرده از گروه های هراس افکن مانند "جبهه نصرت"، "احرار الشام" و "جیش الاسلام" در سوریه پشتیبانی می نماید تا در تعیین سرنوشت کشور های عراق و سوریه "جایگاه تعیین کننده" کسب کند. یمن نکته ی چرخش و میدان آزمون سیاست تعرضی و هژمون طلبی ریاض در خاور میانه می باشد. مداخله نظامی ریاض در عراق و سوریه گام مهار نشدنی و بلندی است که ریاض متهورانه و خارج از توانایی های سیاسی و نظامی اش برداشته است.

۵. توانایی های نظامی ریاض، زیر ساخت استراتژی تعرضی

ارتقای استراتژی ریاض از سیاست نفوذی خزنده به راهکار تعرضی-نظامی هرگز جدا از انکشاف توانایی های نظامی عربستان سعودی شکل نگرفته است، یعنی زاده ی یک تصمیم تصادفی و آنی نبوده است. برخلاف، این دگرگونی پی آمد منطقی یک استراتژی دراز مدت است که از سال های دور به این سو، هم از نگاه هزینه های مالی و هم از نگاه ساختار ابزار

و تجهیزات جنگی نیروهای زمینی و هوایی ارتش عربستان به شکل منظم تدوین و پیاده گردیده است.

نظر به ارقام سیبری - SIPRI - نهاد معتبر مطالعات جنگ افزار ها در سویدن، هزینه ی نظامی عربستان سعودی در سال ۲۰۱۴ به ۸۰،۸ میلیارد دلار امریکایی بالغ می گردد. (۵) به این اساس عربستان سعودی پس از ایالات متحده امریکا و چین که به ترتیب هزینه های نظامی سالانه ۵۸۰ میلیارد دلار و ۱۲۹،۴ میلیارد دلار امریکایی دارند، حایز درجه ی سوم شده و از روسیه با هزینه ۷۰ میلیارد دلار پیشی می گیرد. ولی اگر تناسب هزینه نظامی در همان سال با تولید ناخالص اجتماعی به مثابه شاخص دیده شود، عربستان سعودی با ۱۰،۷ در صد مقام اول را احراز می کند. بر پایه همین ردیف بندی روسیه، ایالات متحده امریکا و چین هر یک به نوبت با ارقام ۲،۷۷ و ۳،۳۴ و در اخیر ۱،۳۵ در صد در ردیف دوم، سوم و چهارم قرار میگیرند. (۶)

البته این بودجه هنگفت نظامی عربستان سعودی که در خدمت تقویت ارتش آن کشور قرار دارد، نه تنها برای سرکوب اعتراضات درون مرزی، بلکه در جهت پیاده کردن استراتژی تعرضی ریاض در منطقه مهندسی و پیاده می گردد.

پس از این دید کلی بر حجم هزینه نظامی و سهم آن در محصول ناخالص اجتماعی، پرسشی در مورد توانمندی نظامی عربستان در مقایسه با کشور های مهم در خاور میانه به میان می آید. در این مورد جریده بزینس انسایدر - Business Insider - در بریتانیای کبیر به نتایج جالبی دست می یابد. نظر به مطالعات این جریده، عربستان سعودی پس از اسرائیل و ترکیه از نگاه توانمندی نیروی نظامی در منطقه مقام سوم را اتخاذ می کند. (۷)

در حالی که اسرائیل با بودجه ۱۵ میلیارد دلار امریکایی و ۳۸۷۰ تانک و ۶۸۰ هوا پیمای جنگی دارای مقام اول و ترکیه با بودجه ۱۶،۱ میلیارد دلار دارای مقام دوم می باشند، عربستان سعودی با بودجه نظامی بیشتر از ۸۰ میلیارد دلار و داشتن ۱۰۹۵ تانک و ۶۵۲ هواپیمای جنگی، مقام سوم را احراز می کند. (۸)

نظر به حدس اولی های نونن و سیمون هندرسن - Olli Heinonen and Simon Henderson - از اندیشکده واشنگتن The Washington Institute، عربستان سعودی به شکل بسیار پنهان با پاکستان همکاری نظامی در بخش برنامه های هسته یی داشته و موشک های ریاض با برد بیشتر از هزار کیلومتر می توانند با کلاهک های اتمی پاکستان مجهز شوند. (۹) به این اساس روشن می گردد که عربستان سعودی برای پیاده کردن استراتژی تعرضی به سوی "امپراتوری عرب ریاض محور" از زیر ساخت گسترده ی نظامی برخوردار می باشد.

۶. بیگانگی نظام تمامیت گرای عربستان با "حقوق بشر"

آیین وهابیت برخواسته از اوضاع نابسامان بادیه نشینی سده هجدهم شبه جزیره عرب الگوی است از بنیاد گرایی پرخاش گر که بر همه ارزش های مدنی و دست آورد های حقوق بشر خط بطلان کشیده و این همه ارزش ها را با مهر "کفر و ارتداد" رد می کند.

آل سعودی در سرزمین بادیه نشین شبه جزیره عرب، استبداد شرقی نوع تمامیت گرایی مذهبی را با زور و ارباب پیاده می کند. در جامعه بدوی و شبه جزیره عرب هویت انفرادی اشخاص با وابستگی های تباری تشخیص و تعریف می گردد. از این رو در عربستان هنوز هم هویت اشخاص با این وجیزه تعیین می گردد که : بگو از کدام تبار هستی تا بگویم تو کیستی. در بافت اجتماعی و تباری عربستان - در کنار آل سعود - دست کم این هشت قبیله اصلی شامل می باشند:

اینزه، بنی خالد، حرب، آل مورا، مطیر، قحطان، شمار و یطیی.

از آنجایی که عبدالعزیز ابن سعود سرزمین عربستان را بنام "عربستان سعودی" نام گذاری کرده است، قبایل دیگر این خطه را از اشتراک در "هویت ملی" محروم ساخته است. در نتیجه ابن سعود بزرگترین جفای سیاسی را در حق باشندگان قبایل غیر سعودی، به مثابه عرب های درجه دوم روا داشته است. مشخصه دیگر این کشور در نداشتن قانون اساسی مدون و رسمی بروز می کند. امور کشور داری نظر به مقرراتی که از طرف پادشاهان آن کشور در سال های ۱۹۳۲، ۱۹۵۳ و ۱۹۹۲ تدوین گردیده اند، اداره می شود. تفسیر وهابی ها از اسلام مهم ترین مرجع اتخاذ تصمیمات محسوب می شود. تقسیم قوای سه گانه (قانون گذاری، اجرایی و قضایی) در نظام سعودی وجود نداشته، هر سه قوه در یک دست یعنی در قوه اجرایی متمرکز می باشد. پادشاه با شورای وزیران تمثیل کننده قوه اجرایی، در نتیجه تمثیل کننده قوای سه گانه می باشند. (۱۰)

به این ترتیب دموکراسی و تمام آزادی های مدنی ناشی از آن به مثابه توجیه حکم روایی در نظام عربستان سعودی عناصر بیگانه و خارج از حیطه تصورات وهابی ها میباشند. مجلس شورای عربستان که دارای ۱۵۰ عضو می باشد، از طرف پادشاه تعیین گردیده و هیچ صلاحیت مستقل حقوقی و یا اجرایی ندارد. این شورا فقط در خدمت پادشاه قرار داشته و بر اعمال دودمان سعودی صحنه می گذارد. حقوق بشر و به ویژه حقوق زن در گرو تعبیر شرعی آیین وهابیت قرار دارد. از جمله ۱۶۷ کشور جهان، عربستان در قطار پنج کشوری آخری قرار می گیرد، که در آنجا نظام های استبدادی بیداد می کنند. نظر به شاخص های نهاد فریدم

هاوس - Freedom House - عربستان از نگاه آزادی های مدنی در ردیف هفت قرار گرفته و به این ترتیب آخرین مقام را اختیار می کند. (۱۱)

۷. "امت اسلامی"، گروگان آیین افراط گرای وهابیت

هزینه های هنگفت نظامی عربستان سعودی و توأم با آن ساختار ارتش آن کشور هرگز با اهداف دفاعی یک کشور صلح دوستی که با همسایگان دور و نزدیک در همزیستی مسالمت به سر ببرد، هم سازی ندارد. علاوه بر آن ارتش ریاض تنها برای سرکوبی خیزش های مردمی درون مرزی آن کشور تا به دندان مسلح نگردیده است. برخلاف عربستان سعودی که پس از اسراییل و ترکیه سومین ارتش قدرتمند را در اختیار دارد، با طرح استراتژی تعرضی از این ارتش در جهت گسترش حوزه های نفوذی در منطقه عملاً استفاده می کند. چنانچه مداخله ی نظامی محمد ابن سلمان، وزیر دفاع آن کشور از حدود کشور های اقمار از قبیل بحرین بیشتر گسترش یافته و با تعرض نظامی در خاک یمن، کشور مستقل همسایه ی جنوبی خاتمه پیدا نمی کند. در کنار مداخله نظامی، به همین منوال تقویت نظامی و پشتیبانی های سیاسی نیروهای افراطی وهابی مسلک در عراق و سوریه، دقیقاً نظر به همین استراتژی دراز مدت عربستان در خدمت نفوذ آیین وهابیت طرح و پیاده می گردند.

ولی میدان جولان نظامی عربستان، نظر به ساختار های مختلف سیاسی و عقیدتی در خاور میانه با دشواری ها سیاسی و محدودیت های نظامی مواجه می باشد. گرچه که عربستان در پیاده کردن سیاست های نفوذی، در مجموع دست کم تا امروز از پشتیبانی ایالات متحده امریکا به مثابه "کشور متحد" برخوردار می باشد، ولی دیگر کشور های نیرومند در منطقه، از جمله ترکیه و ایران به نوبت خود دارای انگیزه های توسعه ی نفوذ سیاسی و بازار یابی اقتصادی اند که در مقابل "موج خروشان و تباه کن" ریاض سد می گردند. ملک سلمان با هدف پیاده کردن آیین وهابیت، گرچه که با رجب طیب اردوغان که بیشتر در "خط اخوان المسلمین" حرکت می کند، تفاوت های اساسی دارد، ولی امروز در قبال عراق و سوریه، انقره و ریاض در یک "اتحاد مقطعی" با هم کنار آمده اند. هر دو کشور هم پیمان در "جنگ های نیابتی" با ایران دست و پنجه نرم می کنند. با در نظر داشت اینکه "نظام ولایت فقیه" در ایران شیعه محور بوده، و شیعه ها در ترکیب مذهبی مسلمانان جهان یک اقلیت می باشند، ملک سلمان در پیروی از سیاست کلی آل سعود تلاش می کند تا استراتژی تعرضی ریاض را با سوژه "اختلاف بین شیعه و سنی" رنگ آمیزی کند. در حالی که جنگ های خانمانسوز در منطقه قبل از همه هرگز "جنگ های مذهبی" نیستند، بلکه به مثابه مبارزه سیاسی کشور ها در جهت تعیین سر نوست خود شان شکل می گیرند. چنانچه هم علوی ها در سوریه وهم حوثی های زیدی در یمن از راه و رسم تشیع دوازده امامی در تهران فرسخ ها فاصله دارند. با وجود ادعای وهابی ها، اگر این "فتنه ها" در کشور های خاور میانه

دارای "محتوی مذهبی" هم باشند، قطب بندی آن خلاف تبلیغات وهابی در "رویاری بین شیعه و سنی" خلاصه نشده، بلکه ماهیت آن در اسلام نرمش پذیر هر چهار مذهب رسمی تسنن به اضافه پیروان نرمش پذیر شیعه در "تصادم با وهابیت" تشخیص می یابد. پیروان آیین وهابیت که در ترکیب مذهبی مسلمانان جهان کمتر از سه در صد می باشند، با عقاید افراطی و هراس افکنی ناشی از آن همه "امت اسلام" را به گروگان گرفته است.

۸. اعدام شیخ نمر باقر النمر، برنامه تحریک آمیز سیاسی

با در نظر داشت ساختار "جنگ های نیابتی" در خاور میانه، ملک سلمان، دشمن شماره یک استراتژی تعرضی ریاض را در هستی و راهکار ایران شیعه محور تشخیص کرده است. در این راه، نظر به انزوا کشانیدن تهران ناشی از تحریم های جهانی، ریاض در همسویی مقطعی با ترکیه و در "تفاهم هسته ای علیه ایران" با اسرائیل از پشتیبانی ایالات متحده امریکا و متحدان اروپایی برخوردار بود. ولی نظر به التزامات "جهانی شدن پسا امریکا" و با وجود مقاومت شدید ریاض، پس از یک دهه ی پر از نشیب و فراز در جولای ۲۰۱۵ توافقات برنامه هسته ای ایران شکل گرفت. با وجود تلاش های واشنگتن تا رهبران عربستان سعودی را در ریاض خاطر جمع بسازد که قرداد هسته با ایران هرگز روابط حمایتی امریکا را در مورد کشور های خلیج خدشه دار نمی سازد، ولی ترس مزمن ناشی از بهتر شدن روابط بین ایران و غرب آرامش حریر پوشان در ریاض را بر هم زد. زمانی که در مذاکرات وین در مورد سرنوشت سوریه، با وجود مقاومت های کشور های عربی خلیج، ایران به مثابه عضو گروه ۱۷ کشور ذی دخل در مذاکرات پذیرفته شد، ملک سلمان قرار را از دست داد. به اضافه آن، نظر به فعال شدن دوباره روسیه در معضل سوریه در اواخر سپتامبر ۲۰۱۵ این امر از طرف ریاض در جهت تقویت همکاری های سه جانبه، محور تهران-بغداد-دمشق تعبیر شده، که منجر به خدشه دار شدن مواضع ریاض در قبال پشتیبانی از نیروهای افراطی وهابی در عراق و سوریه می گردید.

بر مبنای این دیگرگونی های سیاسی، ریاض مانند گذشته ها دوباره ورقه ی تحریک آمیز مذهبی را از "گاو صندوق" حفظ اسناد استراتژی بیرون کشیده، تا فضای تنش زای سیاسی را در منطقه بیشتر تیره و تاریک گرداند و به نفع خود بهره برداری کند. ریاض به روز شنبه، دوم جنوری ۲۰۱۶ به شکل تحریک آمیز ۴۷ نفر را به اتهام "ارتکاب تروریستی" اعدام کرد. در این جمله در کنار کسانی که ریاض "پیروان القاعده" خواند، شیخ نمر باقر النمر، روحانی بزرگ شیعه در عربستان نیز داخل بود. (۱۲) هدف ریاض از این "اعدام گروهی"، نخست لکه دار ساختن دامن النمر، مبارز مدنی با "لکه های هراس افکنی" بود. ولی، از آنجایی که ایران در

مورد احتمال اعدام شیخ نمر قبلاً هشدار داده بود، ریاض آگاهانه و هدفمند خواست تا با این عمل تهران را به "واکنش سخت سیاسی" مجبور کند.

شیخ نمر در سال ۱۹۵۹ در العوامیه در منطقه شیعه نشین قطیف عربستان سعودی تولد شد و در هنگام مرگ ۵۶ سال داشت.

پس از آغاز "بهار عربی" در تونس و گسترش این حرکت مدنی در سرتاسر کشورهای عربی، گروه‌های مختلفی در عربستان سعودی نیز دست به اعتراض زدند. فعالان مدنی و کارگران مهاجر تا زنان معترض و شیعیان ناراضی در ریاض، جده و قطیف در این اعتراضات سهم داشتند. شیخ نمر در اکتبر ۲۰۱۱ گفت: «مقامات به گلوله‌ها متکی هستند، به کشتن و زندانی کردن. ما باید بر خروش واژه‌ها تکیه کنیم، بر کلام عدالت».

در هفته‌های آینده که اعتراضات ادامه پیدا کرد، پلیس سعودی برای سرکوبی اعتراضات مدنی به قوه متوسل شده و با شلیک گلوله چهار تن از اعتراض‌کنندگان را کشت. (۱۳) با زخمی کردن و دستگیری شیخ نمر حکومت سعودی خواست تا فریاد مدنی "بهار عربی" را در آن کشور در نطفه خفه کند. طوری که ریاض حدس زده بود، اعدام شیخ نمر با واکنش‌های ایران منجر گردید، ولی با تفاوت‌های چشمگیر بین اظهارات نرم مسئولین سیاسی و فریاد خشمگین "تندروهای خود سر" که آنقدر هم "خود سر" نبودند. اگر مقامات رسمی، با وجود "اتهام شعله‌ور ساختن آتش مذهبی" به آدرس ریاض، از خویشتن داری کار گرفتند، ولی هجوم بخش "نیروهای خود سر" به سفارت خانه و قونسولگری عربستان در تهران و مشهد، زمینه را برای واکنش سخت ریاض آماده ساخت. عربستان سعودی و کشورهای امارات، از قبیل بحرین، کویت و امارات متحده عربی روابط دیپلماتیک شان را با ایران قطع کردند. ولی در قبال این "زمین لرزه دیپلماتیک" در روابط کشورهای عربی خلیج و ایران، واکنش کشورهای غرب، خلاف توقع ریاض "سازنده و نرمش‌پذیر" بود. اینکه نمایندگی‌های کشورهای خارج در یک کشور باید مصونیت داشته باشند، یک امر پذیرفته شده دیپلماتیک خوانده می‌شود و ایران هم بایست این امر را پذیرفته و امنیت اماکن دیپلماتیک را، بدن چون و چرا، تامین کند.

عمل اعدام‌های همیشگی و خود سر در عربستان دوباره توجه بنیاد‌های صیانت حقوق مدنی را جلب کرده، تا بر "خدشه دار ساختن حقوق بشر" در ریاض انگشت انتقاد بگذارند. از سوی دیگر کشورهای متحد غربی ریاض به نوبت خود، نظر به شرایط تغییر خورده، برخلاف گذشته‌ها از این خود داری کردند که تنها تهران را به "محکمه" کشانده و درمورد ریاض خاموشی اختیار کنند. چنانچه در جمهوری آلمان خواست "عدم فرستادن ابزار تعرضی جنگی" به عربستان دوباره اوج گرفت. زیگمار گابریل، وزیر اقتصاد جمهوری آلمان و رییس حزب سو سیال دموکرات‌های این کشور به عربستان سعودی هشدار داد، اگر به «روند اعدام دسته جمعی ادامه دهد، آلمان در مورد فروش اسلحه به این کشور» بازنگری خواهد کرد. دیوید

کامرون، نخست وزیر بریتانیا در مورد اعدام شیخ نمر گفت که کشورش با حکم اعدام مخالف بوده و «آن را در هر شرایطی و هر کشوری، از جمله عربستان سعودی، محکوم می کند.» جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید گفت که ایالات متحده آمریکا «نگران نقض حقوق بشر در عربستان» است به ویژه با اعدام های اخیر و کشتن یک روحانی شیعه. (۱۴)

در رابطه با اعدام شیخ نمر نیویورک تایمز، روزنامه معتبر امریکایی در چهارم جنوری ۲۰۱۶ می نویسد که حکومت بارک اوباما اکنون در رابطه با روابط آن کشور با عربستان سعودی با یک تضاد بنیادی رو به رو شده است. نظر به «وابستگی های دوجانبه» کاخ سفید نمی تواند که اعدام یک روحانی دیگر اندیش را در عربستان محکوم کند. اضافه برآن، به نظر روزنامه، آمریکا به پشتیبانی "رهبری پر گسست" خاندان شاهی عربستان در منطقه ی متلاطم سیاسی در خاور میانه نیاز دارد. به نظر نیویورک تایمز، شرایط حالا دیگر گون گردیده و، نظر به تولید روز افزون نفت در خود کشور و هم چنان نظر به "پراکندگی رهبری سعودی"، واشنگتن می تواند، فارغ از وابستگی های کلاسیک، در کارزار بزرگتر به "جولان سیاسی" آغاز کند. بروس ریدل، کارشناس سیاسی امریکایی در امور خاور میانه، اوضاع عربستان را نظر به افت قیمت نفت، یک جنگ ناتمام فرسایشی در یمن و شدت رقابت منطقه پی با ایران، وخیم می خواند.

بهر ترتیب، تیر ریاض که با تیره ساختن روابط کشورش با ایران، واکنش کشورهای متحد غربی را علیه تهران تحریک کند، نه تنها به خطا رفته است، بلکه "پس لگد" آن منجر به بازکردن مشت پر نیرنگ و تزویر ریاض گردید.

۹. تراز نامه یک ساله استراتژی تعرضی ملک سلمان

"در سرزمینی که سایه ی آدم های کوچک بزرگ شد، در آن سرزمین آفتاب در حال غروب است." (وجیزه اخلاقی خاور زمین)

استراتژی تعرضی ملک سلمان عربستان سعودی را، زود تر از آنچه که گمان می رفت، به لبه پرتگاه نزدیک تر ساخت. پس از یک سال حکمرانی خودسر، ملک سلمان با این دشواری ها دست و پنجه نرم می کند:

1) کنش انحصار طلبی ملک سلمان و مجال دادن زیاد به پسرش برای احراز مقام پادشاهی منجر به شدت یافتن رقابت های درون قشری گردیده و شاهزاده های ناز پرورده که هر یک خود را از محمد ابن سلمان برتر و مقدم تر می دانند، روز تا روز بیشتر ناراضی گردیده اند. اینکه این مشی سیاسی یکجا با کم شدن امتیازات

اقتصادی شاهزاده های ناراضی چه زمانی به مثابه یک "جرقه" به یک حریق "سعودی سوز" مبدل می گردد، به مشکل می توان پیش گویی کرد.

(2) افت قیمت نفت که نود در صد درآمد دولتی عربستان از این "منبع خدا داد" به دست می آید، در سال ۲۰۱۵ منجر به کسر بودجه تاریخی آن کشور با رقم ۹۸ میلیارد دالر امریکایی شده است. همزمان با اعلام کسر بودجه ریاض قیمت آب، برق و گاز را به شکل چشمگیر ابلند بده، از جمله افزایش قیمت بنزین پنجا در صد قیمت تعیین گردیده است. (۱۵) با وجود ذخایر سرشار ارزی، این اصل حکومت ملک سلمان را به تطبیق "سیاست ریاضتی" وا داشته است، که منجر به پایین آوردن یارانه ها شده و در اخیر ناراضی قشر هایی را به بار می آورد که تا حالا گویا تطمیع می شدند و "استبداد" تمامیت گرایی آل سعود" را تحمل می کردند.

(3) مداخله نظامی ریاض در یمن که به یک جنگ فرسایشی مبدل گردیده است، به شکل روز افزون، نظر به تلفات ملکی، حیثیت سیاسی عربستان را به مثابه "سرزمین مهد اسلام" سخت خدشه دار ساخته است. مداخله نظامی در یمن گام مهار نشدنی و بلندی است که ریاض متهورانه و خارج از توانایی های سیاسی و نظامی اش برداشته است. حملات "توفان قاطع" عربستان سعودی نه می تواند در رویارویی با "قیام راسخ" مردم یمن تاب مقاومت آورد. ادامه مداخله نظامی ریاض در یمن به مثابه یک جنگ فرسایشی از طریق هزینه های بزرگ روز بروز بر اقتصاد غیر تولیدی آن کشور، که بیانگر "تندیس پرستی مصرفی" می باشد، فشار آورده و کسر بودجه حکومت مرکزی را بیشتر می سازد. ریاض دیر یا زود متحدین جنگی منطقه ای خود را از دست داده و کم تر تصور می رود که از پشتیبانی بی قید و شرط و همیشگی واشنگتن هم برخوردار گردد.

(4) "خیزش" بهار عربی" نقطه چرخشی بود که عربستان سعودی را از "نفوذ خزنده عقیدتی" و راه یافت "دیپلوماسی مالی" به میدان واکنش های علنی نظامی علیه جنبش های مدنی، به ویژه در کشور های عربی کشاند. ریاض با مداخله نظامی مستقیم در بحرین جنبش بهار عربی را در نطفه خفه کرد. ولی عربستان سعودی، با وجودی که زین العابدین بن علی، رئیس جمهور اقتدار گرای تونس را در آغوش گرفت، نتوانست که سد طغیان توده ها در تونس گردد. ریاض نخست با پشتیبانی از عبدالله صالح، رئیس جمهور اقتدار گرای یمن در خیزش مردمی یمن به مداخله سیاسی پرداخت، که در اخیر این امر منجر به مداخله نظامی گردیده و حتی صالح نیز بیشتر زیر بار سنگین ریاض نرفت و به جنبش مخالف پیوست. عربستان در همسویی با امارت متحده عرب و کویت با رقم بیشتر از ده میلیارد دلاری به کمک نظامیان مصر شتافته و

محمد مرسی را از کرسی منتخب ریاست جمهوری آن کشور به زندان ابدی کشاند. مگر همین عربستان سعودی نبود که در همسویی با غرب مُعَمَّر محمد قَدَّافی، رهبر سکولار اقتدار گرای لیبی را به خاک و خون کشانده و زمینه ساز جنگ های خانمان سوز در این کشور افریقای شمالی گردید. مگر باز هم همین ریاض نیست که در هم سوئی با غرب به جنگ علیه حکومت اقتدار گرای بشار اسد کمر بسته و می خواهد از طریق تقویت مالی و پشتیبانی های نظامی گروه های وهابی-سلفی گامی به سوی تحقق بخشیدن "امپراتوری عرب ریاض محور" بردارد.

پرسش اساسی این است که چه کسی و یا کدام نهاد جهانی به استناد کدام منشور، مداخله ی چشمگیر ریاض را علیه نظام های اقتدار گرای سکولار عربی توجیه کرده، ولی از پشتیبانی خیزش مدنی علیه استبداد قرون وسطایی نظام تمامیت گرای سلفی-وهابی در کشور های عربی خلیج خودداری می کند. تا چه زمانی جهانیان در این مورد خاموشی اختیار می کنند که اداره "امر به معروف و نهی از منکر" نظام وهابی عربستان بیرحمانه دیگر اندیشان را سر زده، دیگر کیشان را به خاک و خون کشانده و خانواده های شان را به ماتم ابدی می نشاند.

(5) جهانیان، دست کم از تاریخ یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به این سو شاهد خون ریزی ها و ناروایی های جفا پیشگان هراس افکن به شکل حاد آن می باشند. ولی مبارزه علیه هراس افکنی که حتی "**آرامش درون مرزی**" کشور های غرب را نیز برهم می زند، و به دشمن شماره یک بشریت تبدیل گردیده است، هرگز نمی تواند تنها در بعد نظامی منجر به دست آورد چشمگیر گردد. مبارزه نظامی با هراس افکنی بایست با مبارزه چند بعدی فرهنگی-سیاسی علیه ریشه های عقیدتی آن تکمیل گردد که در مکتب سلفی-وهابی تمرکز یافته است. ، امروز بیشتر از همه روشن گردیده است که عربستان سعودی بزرگ ترین حامی و تمویل کننده ی عقاید افراطی در کشور های دیگر، از جمله در پاکستان می باشد. احتمال زیاد می رود که با کم شدن اهمیت استراتژیک عربستان، این کشور دست کم به انزوا کشانده شود.

ملک سلمان با تدوین و پیاده کردن استراتژی تعرضی نظامی برای نخستین بار توانایی های اقتصادی، سیاسی و نظامی نظام آل سعود را با چالش بزرگ مواجه گردانیده است. به یقین می توان گفت که ملک سلمان آرمان تشکیل "امپراتوری عرب ریاض محور" را با خود به خاک می برد. ولی اینکه حلقه خاصه ای هیرارشی نوپا، نظر به تضاد های چند بعدی چشمگیر، چه وقت سرزمین مهد اسلام را به پرتگاه سرازیر می سازد، غیر قابل پیش بینی است، ولی بهر ترتیب یک معضل زمانی است. با

وجود آن هم می توان از همین حالا گفت که استراتژی ملک سلمان پر مدعا در ظرف یک سال حکم روایی، عربستان را دست کم به بن بست کشانده است.

۱۰. روی کردها

(۱) در این نوشته به ویژه در بخش های نخستین، قسمت های از نوشتار نویسنده در سال گذشته در مآخذ زیر استفاده شده است

دکتر سید موسی صمیمی:

دگرگونی استراتژی ریاض از نفوذ خرنده به مداخله نظامی

"توفان قاطع"، تبارز جزم اندیشی ملک سلمان در خاور میانه -

<http://www.goftaman.com/daten/fa/articles/part41/samimy-09-08-2015.pdf>

(۲)

[https://foreignpolicy.com/2015/04/29/the-saudi-shake-up-king-salman-whos-out-and-whos-](https://foreignpolicy.com/2015/04/29/the-saudi-shake-up-king-salman-whos-out-and-whos-in/?utm_source=Sailthru&utm_medium=email&utm_term=%2AEditors%20Picks&utm_campaign=2015_EditorsPicks_Promo_ACAAlliance2RS4%2F29)

[in/?utm_source=Sailthru&utm_medium=email&utm_term=%2AEditors%20Picks&utm_campaign=2015_EditorsPicks_Promo_ACAAlliance2RS4%2F29](https://foreignpolicy.com/2015/04/29/the-saudi-shake-up-king-salman-whos-out-and-whos-in/?utm_source=Sailthru&utm_medium=email&utm_term=%2AEditors%20Picks&utm_campaign=2015_EditorsPicks_Promo_ACAAlliance2RS4%2F29)

(۳) دکتر سید موسی صمیمی: ریشه های عقیدتی گروه دولت اسلامی در

گروه "دولت اسلامی" در تباین و تبانی با "القا عده"

- واکنش های نا همگون و پی آمد های ناهنجار -

<http://www.goftaman.com/daten/fa/articles/part41/samimy-09-08-2015.pdf>

(۴) پادشاه عربستان: حملات هوایی علیه حوثی های یمن ادامه خواهد داشت

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2015/03/150328_I57_arab_league_yemen

Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI) (۵)

<http://www.sipri.org/media/pressreleases/2015/milex-april-2015>

(۶) همان جا

(۷)

<http://uk.businessinsider.com/most-powerful-militaries-in-the-middle-east-2014-8?op=1?r=US#ixzz3HRCZ31TY>

(۸) همان جا

(۹)

Nuclear Kingdom: Saudi Arabia's Atomic Ambitions, Mar and Simon Henderson Olli Heinonen

Ch 27, 2014, <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/nuclear-kingdom-saudi-arabias-atomic-ambitions>

(۱۰) حق-شناس-کمیاب، ساختار سیاسی-اجتماعی-عربستان-اقلیت-های-دینی-بخش-دوم-

<http://www.payam-af-tab.com/fa/doc/article/11242>

(۱۱) http://en.wikipedia.org/wiki/Saudi_Arabia

(۱۲) چرا عربستان سعودی شیخ نمر را اعدام کرد؟

http://www.bbc.com/persian/world/2016/01/160104_l10_ha_nimr_saudi

(۱۳) شیخ نمر، 'صدای بهار عربی در عربستان سعودی'

http://www.bbc.com/persian/world/2016/01/160101_l45_nimr_saudi_profile

(۱۴) آمریکا از "نقض حقوق بشر در عربستان" ابراز نگرانی کرد.

<http://www.bbc.com/persian/world>

(۱۵) بنزین در عربستان پنجاه در صد گران شد.

<http://www.bbc.com/persian/world>

